

کارشناسان «بنیاد دفاع از دموکراسی ها» در «نیوزویک» اذعان کردند

برنامه رژیم صهیونیستی با هدف تداوم آشوب‌ها در ایران

رژیم صهیونیستی را می‌توان به‌عنوان یکی از صحنه گردانان اصلی آشوب‌های اخیر شناخت. اما سران این رژیم تلاش می‌کنند این واقعیت را به دو دلیل کتمان کنند. اول آنکه از پاسخ احتمالی ایران نسبت به طراحی آشوب‌ها، به دور باشند و دوم آنکه در افکار عمومی ایران، این واقعیت که رژیم صهیونیستی پشت آشوب‌ها قرار دارد، آشکار نشود. زیرا این واقعیت منجر به تضعیف شدید و پایان آشوب‌ها خواهد شد. با این حال بررسی اندیشکده‌های رسمی و تخصصی و نظرات برخی افراد نظامی رژیم صهیونیستی، ثابت می‌کند که این رژیم اصلی‌ترین بازیگران در پشت آشوب‌های اخیر است.

به گزارش «نیوزویک»، دو نفر از کارشناسان «بنیاد دفاع از دموکراسی» به نام‌های «ژنرال جیکوب ناگل»، مشاور امنیت ملی نتانیاهو و «مارک دیوویوتز» متخصص حوزه تحریم‌های ایران، به نقش رژیم صهیونیستی در آشوب‌های اخیر ایران، پرداختند.

در این گزارش آمده است: اسرائیل باید ابتکار عمل را در دست بگیرد و از اعتراضات اخیر ایران به‌عنوان بزرگ‌ترین فرصت خود، نهایت استفاده را ببرد. «سرویس اطلاعاتی اسرائیل»، باید نوک پیکان حمله قرار گیرد و از قدرت خود برای «تضعیف شدید ایران» استفاده کند و در صورت خوش شانس، به سمت فروپاشی [ایران] پیش رود. این گزارش تأکید می‌کند که «بجز سرویس اطلاعاتی اسرائیل، هیچ نهاد امنیتی دیگر، توانایی حمایت از اعتراضات ایران را ندارد.» این دو کارشناس FDD، توصیه‌های دیگری را برای رژیم صهیونیستی مطرح کردند. این توصیه‌ها عبارت‌اند از:

۱) عملیات نفوذ برای بحران ارزی

اسرائیل باید فشار اقتصادی را از طریق عملیات‌های نفوذ در ایران تشدید کند.

نتیجه این عملیات‌ها باید بحران بزرگ پولی باشد. به گونه‌ای که دولت، تمام ذخایر ارزی خود را برای جبران این بحران، خرج کند. باید این پیام به ایرانیان منتقل شود که دولت، پول هائیان رازدیده است و مردم ایران گمان کنند که بانک‌ها بودجه کافی برای بازپرداخت پول هیئشان ندارند و

در نتیجه، تمام پس‌انداز خود را از بانک بیرون بکشند. این اقدامات منجر به تشدید بحران پولی در ایران می‌شود و درنهایت، به خشمگین شدن ایرانیان از حکومت منتهی می‌گردد.

۲) ضربه به صنایع کلیدی

«سرویس اطلاعاتی اسرائیل» باید کمپینی پایدار ایجاد کند که «صنایع کلیدی ایران» را هدف قرار دهد و سپس از ده‌ها هزار ایرانی خشمگین، شامل دانش آموزان و معلمان حمایت کند. با ایجاد بحران مالی و پایین آوردن ارزش ریال، هزینه حمایت از اعتراضات برای اسرائیل هم کاهش پیدا خواهد کرد.

۳) افشای اطلاعات نیروهای امنیتی و فضاسازی رسانه‌ای

اسرائیل باید اطلاعات نیروهای امنیتی ایران را منتشر کند. ارزش اطلاعاتی این اقدامات، می‌تواند به اعتراضات دامن بزند و اسرائیل باید خیلی از این کارها انجام دهد.

۴) آموزش سازماندهی گروه‌های آشوب

اسرائیل باید آموزش دهد که چگونه می‌توان ایرانیان معترض در گروه‌های کوچک را، در هر محله سازماندهی کرد. همچنین باید اطلاعات حرکت نیروهای امنیتی ایران را منتشر کند و در سیستم‌های فرماندهی، کنترلی و لجستیکی ایران، اختلال ایجاد کند.

۵) تمرکز بر برنامه هسته‌ای ایران، علاوه بر تمرکز بر آشوب‌ها

اسرائیل در عین حال که نباید فرصت اعتراضات را از دست دهد، باید راهبردهای خود را برای مقابله با برنامه هسته‌ای ایران، پیش ببرد و با بازگشت امریکا به توافق هسته‌ای، مقابله کند.

«مؤسسه خاورمیانه (MEI)» واقع در واشنگتن دی.سی، در حوزه مسائل غرب آسیا فعالیت دارد. با مطالعه مطالب این مؤسسه، متوجه می‌شویم که تا چه حد طرفدار رژیم صهیونیستی بوده و از آن دفاع می‌کند. این مؤسسه، در یکی از گزارش‌های خود به نقش رژیم صهیونیستی در



آشوب‌های اخیر پرداخته است. در این گزارش آمده است، اینکه سرویس اطلاعات اسرائیل، مغز متفکر اعتراضات اخیر هست، اتهامی بدون مدرک است و هیچ سرویس اطلاعاتی نمی‌تواند این آشوب‌ها را سازماندهی کند.

جالب اینجا است که مؤسسه خاورمیانه، در عین حال که دخالت در آغاز آشوب‌ها را انکار می‌کند؛ می‌گوید «اگرچه حملات سایبری و اقدامات ترویستی از سوی اسرائیل، ابزارهای مؤثری در بی‌ثبات کردن داخل ایران هستند؛ اعتراضات داخلی هم بگر راه ساده، در دسترس و قدرتمند برای بی‌ثبات کردن راهبردهای ایران است.»

در جای دیگری از این گزارش آمده است، اسرائیل در ۱ نوامبر، پنجمین دوره انتخابات خود را در طی ۴ سال برگزار کرد؛ لکه نشان دهنده اختلاف و بی‌ثباتی شدید در اسرائیل است[اما در مورد حمایت از اعتراضات ایران، در سراسر طیف‌های سیاسی اسرائیل، اتفاق نظر وجود دارد و از زمان آغاز اعتراضات، راهبرد دیپلماسی



عمومی رژیم صهیونیستی در قبال ایران با هدف اثرگذاری مستقیم بر تمام لایه‌های جامعه ایران، افزایش چشمگیری داشت. افزایشی که تاکنون مشابه آن وجود نداشته است.

در ادامه این گزارش آمده است که دامن زدن به ترس از برنامه هسته‌ای ایران در میان اسرائیلی‌ها، سنگ بنای تصدی هر نخست‌وزیر در اسرائیل است.

دیوید مناشری، استاد دانشگاه و مدیر گروه مطالعات ایران در دانشگاه تل آویو، صهیونیستی از اعتراضات اخیر هشدار داده و گفته است، «این حمایت می‌تواند مانند شمشیر دولبه عمل کند و نتیجه عکس داشته باشد. زیرا این کار به روایت ایران از اینکه اسرائیل و امریکا پشت سر گرفته شده و ترمیم ساختار اقتصادی تحویل کشور اشاره کرد. کاهش نرخ تورم حدود ۶۰ درصدی - که بالاترین میزان تورم در ۷۰ سال گذشته بوده است - به کمتر از ۴۰ درصد، درکنار احیای دیپلماسی منطقه‌ای و توجه ویژه به ظرفیت‌های اقتصادی سیاست خارجی، وفور کالاهای اساسی و تناسب عرضه و تقاضا در بازار، افزایش تجارت خارجی (رشد ۳۹ درصدی ترانزیت خارجی)، کسب درآمدهای ارزی از طریق فروش نفت بدون برجام و FATF و کاهش کسری بودجه و کاهش نقدینگی تنها بخشی از سرفصل‌های اصلاحات اقتصادی صورت گرفته در دولت سیزدهم هستند که در نگاه جریان‌ها و محافل تجدیدنظرطلب عمداً یا ناخواسته پنهان مانده است.



کاهش آشوب خیابانی خواهد شد.

مؤسسه خاورمیانه تصریح می‌کند که هدف حمایت‌های اسرائیل از اعتراضات ایران، دو موضوع است. اول اینکه بگوید به عبارتی دیگر، اسرائیل می‌داند که چهره خوبی در میان افکار عمومی ایران ندارد و اگر حمایت‌های رژیم صهیونیستی از آشوب‌ها، بیش از این علنی شود، منجر به

که خود از مخالفین جمهوری اسلامی ایران است، معتقد بود که این حمایت اسرائیل، اقدامی ریاکارانه بوده و آزادی چیزی نیست که اسرائیلی‌ها به دنبال آن باشند.

به عقیده اورلی نوی، حمایت اسرائیل از اعتراضات ایران به این گونه است که «افسران ارتش اسرائیل، مشغول ظلم، ستم خشونت‌آمیز و جنایتکارانه نسبت به مردمی [فلسطین] هستند و می‌خواهند با یک کلیک، جایگاه خود را در میان آزادی‌خواهان جهان، نشان دهند». اورلی این حمایت را صرفاً برای سفید کردن جنایات اسرائیل می‌داند.

او از اسرائیلی‌ها می‌پرسد که «آیا ساکنان غزه، کمتر از ساکنان تهران مستحق آزادی هستند؟» آیا جان امدادگر زن، «زران النجاری» که در جریان تظاهرات غزه به ضرب گلوله [اسرائیلی] کشته شد، اهمیت کمتری نسبت به جان مهسا امینی داشت؟ او می‌گوید که اسرائیل، تظاهرات «غیرخشونت‌آمیز» در غزه را «تهدیدی» برای موجودیت خود می‌داند و هرگونه «تضعیف اسرائیل»، قلمداد می‌شود.

چنین رژیمی نمی‌تواند حامی اعتراض در ایران باشد.

اورلی نوی اشاره می‌کند که «شارن هاسکل»، نماینده‌زن یکی از احزاب اسرائیل که از الحاق کرانه باختری و «سرکوب آزادی فلسطینیان» حمایت کرده بود، چگونه می‌تواند با کوتاه کردن موهایش، خود را حامی آزادی زنان ایران نشان دهد؟ اورلی تصریح می‌کند که این نوع حمایت، «بیش از هر چیز، تنف کردن به‌صورت هرزنی در خیابان‌های ایران است.»

دکتر عماد موسی، پژوهشگر حوزه اسرائیل در «نیو عرب» نوشته است که حمایت اسرائیل از زنان ایرانی در عین حال که زنان فلسطینی را از حقوق اولیه خود [حق زندگی] محروم می‌کند، یک تناقض و ریاکاری است. او می‌گوید که اسرائیل به ارانه چهره‌ای مثبت از خود در جامعه بین‌الملل نیان دارد و یکی از راه‌های آن، حمایت از تجمعات با شعار آزادی است. در این سناریو، می‌توان در عین حال که در داخل مرتکب ظلم می‌شود، در خارج خود را آزادی‌خواه نشان دهد.

سیاست خارجی، تغییر کند.

«اورلی نوی»، فعال سیاسی صهیونیست و حاضر در سرزمین‌های اشغالی، در گزارشی در مجله «۹۷۲» که به جایگاه حمایت رژیم صهیونیستی از جنبش «زن، زندگی، آزادی»، پرداخت. او



و برای ضربه زدن و براندازی و پسرقت بیشتر فشار می‌آورد.»

همان‌طور که ملاحظه شد هاشمی ناخودآگاه و ناخواسته در موقفی ایستاده که صریحاً علیه مدعیات خود او و جناح سیاسی متبوعش است. بنا بر مفروض ایشان یعنی این گزاره که «دشمن در هنگامه ضعف بیشتر فشار می‌آورد» باید از ایشان پرسید آیا قبول دارند سیاست «فشار حداکثری» ترامپ نیز زمانی عملیاتی شد و به بار نشست که از داخل کشور پالس‌های سازش و ضعف به بیرون مخابره شد. البته هدف هاشمی از بیان این موضوعات این است که القا کند اکنون که دشمن در حال فشار آوردن است، طبیعتاً دولت سیزدهم در موضع ضعف قرار دارد، ولی مسأله این است که پیش فرض او یعنی این گزاره که «دشمن هنگام ضعف فشار می‌آورد» کامل نیست و وجه دیگری این است که همان‌طور که تجربه تاریخی ایرانیان نشان داد، دشمن از قضا در حالت پیشرفت هم از سیاست فشار استفاده می‌کند و لزوماً فشار دشمن تابعی از دینامیسم پیشرفت و پسرقت ما نیست، بلکه سیاست فشار دشمن متضمن جنبه‌های ذاتی، گفتمانی و تاریخی است.

چنین اظهاراتی را همان‌طور که در ابتدای مطلب اشاره شد، باید صرفاً نوعی ورود تبلیغاتی پیشدستانه به عرصه انتخاباتی کشور دانست. هاشمی در این گفت‌وگو به سبک اسلاف و پدرخوانده‌هایش با گام برداشتن روی خطوط فرمز، از یک سو به حاکمیت این پیام را ارسال می‌کند که قصد عبور از خطوط فرمز را ندارد و از سوی دیگر، برای جناح همسو یعنی طیف‌های دیگر اصلاح‌طلب به نوعی خط و نشان می‌کند که راه رسیدن به قدرت در جمهوری اسلامی برای اصلاح‌طلبان صرفاً از بیت خانواده هاشمی می‌گذرد. مرحوم هاشمی نیز همواره از تربیون‌های

«ایران» از تلاش‌های تبلیغاتی و چهره‌سازی برخی جریان‌های سیاسی گزارش می‌دهد

به وقت خیالبافی!

◀ **امیر فرشیف**
روزنامه‌نگار

در ویرانی‌های ذکر شده، به وضوح قابل رؤیت است. به هر تقدیر، محتوای این گفت‌وگو ذیل دو محور کلان اقتصاد و سیاست صورت‌بندی می‌شود و هر مدعای دیگری هم اعم از اجتماعی و فرهنگی که بیان می‌شود، غایتی سیاسی دارد، حتی شعارهای اقتصادی مطرح شده نیز جهت‌گیری سیاسی دارند.

■ **سیاه‌نمایی اقتصادی با چاشنی آلزایمر**
در فقرات متعددی از گفت‌وگوی روزنامه «سازندگی» با هاشمی، به موضوعات و چالش‌های اقتصادی پرداخته می‌شود. البته این پرداخت به هیچ‌وجه حتی رنگ و لعاب علمی و منطقی هم ندارد و مشحون از شعارها و سیاه‌نمایی‌های سیاسی است؛ مثلاً در جایی مدعی می‌شود: «آقایان باید توضیح دهند که منظورشان از پیشرفت در چه حوزه‌هایی است. شاخص‌های رشد اقتصادی، نرخ تورم، افزایش قدرت خرید، درآمد سرانه، نرخ بیکاری، صادرات، نرخ سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، شدت انرژی، شاخص بورس، توان استخراج نفت و گاز از مخزن مشترک ...؟ در کدام یک از این شاخص‌ها، نه در تحلیلی دارند تا مصاحبه‌ای انتقادی.

لازم به ذکر است که نیت خوانی بال‌راست اصلاح‌طلبان در این نوشتار موضوعیت ندارد، چراکه اساساً نه اهمیتی دارد و نه به لحاظ اخلاقی و حرفه‌ای مشروعیت دارد، بلکه آنچه قابل پرداخت است، تحلیل محتوای القایی مدعیات هاشمی و دلالت‌های سیاسی این گفت‌وگو است. آنچه بر دشواری این کار می‌افزاید این است که نگارنده حقیقتاً متحیر است که از کدام جهت به تحلیل فقرات مدعایی فرزند ارشد مرحوم هاشمی بپردازد؛ چراکه از هر جهت که به‌محتوای مدعیات شبه انتقادی محسن هاشمی نگرسته شود، رگه پای متودش، خانواده‌اش و جناح سیاسی متبوعش



داخل در حالی مدعی ضعف اقتصادی دولت سیزدهم و انگاره «پیشرفت نمایی» هستند که از یکسو، این دولت سیزدهم است که در حال آواربرداری اقتصادی است و از سوی دیگر، در دولت قبل بود که برای دومین بار پس از دولت هاشمی رفسنجانی، رکورد تورم، شکست و گرانی ۷ تا ۱۰ برابری در ارقام و کالاهای مختلف (از مسکن و ارز و طلا و خودرو گرفته تا سایر کالاها و خدمات) رخ داد. همچنین باید به بدهی ۱۵۰۰ هزار میلیاردی، کسری ۴۸۰ هزار میلیاردی و نقدینگی ۸ برابر شده به عنوان یکی از عوامل مهم تورم زا اشاره کرد. حراج ۶۰

میلیارد دلار از ذخائر ارزی و ایجاد رانت چندصد هزار میلیاردی برای رانت‌خواران از دیگر شاهکارهای اقتصادی دولت متبوع جناب هاشمی هستند که با اینکه هنوز خاطره جمعی ایرانیان آنها را معتقد هستند که دشمن می‌خواهد فراموش نکرده، اما به نظر می‌رسد برای مدعیان اصلاح‌طلبی و اعتدالگرایی نیاز به یادآوری داشته باشد وگرنه ۱۰ برابر شدن نرخ ارز، مرگ‌های دسته‌جمعی شهروندان بر اثر بی‌کفایتی در مدیریت بحران کرونا، قطع برق‌های تابستانی، بحران آب خوزستان، چالش‌های زیست‌محیطی، گره زدن حل مشکلات داخلی به برجام و FATF و زمینه‌سازی

رسمی و مذهبی برای ورود زودهنگام و پیشدستانه به فعالیت‌های انتخاباتی و تبلیغات سیاسی و اقتصادی استفاده می‌کرد؛ موضوعی که به نظر می‌رسد در این مقطع بیش از سایر مقاطع نیاز به بازخوانی داشته باشد.

■ سخن پایانی

به نظر می‌رسد حال که فضای آشوب‌ها در کشور رو به خاموشی گراییده، برخی جریان‌های سیاسی سعی دارند با سوءاستفاده از این اتفاقات، بر ناکارآمدی‌های گذشته خود سرپوش گذاشته و با گرفتن ژست انتقادی، به فکر بازگرداندن اعتبار از دست رفته خود باشند. اصلاح‌طلبان (یا چپ‌های سابق) به جای اینکه درباره عملکرد ۲۴ ساله خود در دولت‌های مرحوم هاشمی، خاتمی و روحانی توضیح دهند و دست به شفاف‌سازی در این باره بزنند، این روزها طلبکارانه رفتار کرده و چوری اظهارنظر می‌کنند که گویی پیش از این، هیچ جایگاه حقوقی در ساختار قدرت نداشته و تماماً اپوزیسیون قدرت بوده‌اند. جناح اصلاحات به عنوان حامی اصلی و شریک دولت قبل که سهم عمده‌ای از مناصب اجرایی کشور را در دوره‌های گذشته در اختیار داشته، همواره در هر مقطع به نزدیک شدن ایام انتخابات، سعی در سوءاستفاده از برخی ناراحتی‌ها داشته و ریکرد انتقاد و طلبکاری را در پیش می‌گیرد. به نظر می‌رسد شرایط آشوب‌های اخیر بهانه‌ای به دست اصلاح‌طلبان داده تا در این شرایط، خیز سیاسی بردارند و با بازطراحی آرایش سیاسی، عرصه را برای جلب توجه افکار عمومی در انتخابات‌های پیش‌رو فراهم سازند؛ ترفندی که با توجه به تجربه جامعه ایرانی در دهه‌های گذشته و آگاهی از ناکارآمدی از جریان‌های اصلاح‌طلب روی کار آمده، دیگر راه به جایی نخواهد برد.